



اعتباریابی مدل شایستگی‌های موردنیاز دانشجویان بر اساس تجارب زیسته دانشجویان دکتری بین‌الملل

هبه مردان حمود الشجیری^۱، مریم تقوایی یزدی^۲، محمد جاسم عبدالامیر^۳، محبوبه سادات فدوی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۳. استاد، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه واسط، واسط، عراق
۴. دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: m_taghvaeeyazdi@yahoo.com

چکیده

جذب دانشجویان بین‌الملل به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها محسوب می‌شود. با این وجود، تداوم حضور و موفقیت آموزشی این دانشجویان، مستلزم شناسایی و رفع چالش‌های پیش‌روی آنان است. این پژوهش با هدف شناسایی موانع کلیدی پیش‌روی دانشجویان بین‌الملل دکتری در ایران و ارائه الگوی برای بهینه‌سازی تجربه تحصیلی آنان انجام شد. این تحقیق با رویکرد آمیخته و در دو فاز کیفی و کمی انجام گرفت. در فاز کیفی، به روش پدیدارشناسی با ۱۵ نفر از دانشجویان دکتری بین‌الملل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق انجام شد. داده‌های کیفی با استفاده از تحلیل مضمون و کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. در فاز کمی، جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مذکور به تعداد ۱۲۰۰ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۹۱ نفر به عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته ۴۲ گویه‌ای مبتنی بر یافته‌های کیفی بود. داده‌های کمی با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS تحلیل شدند. بر اساس تحلیل کیفی، موانع در پنج بُعد اصلی دسته‌بندی شدند: ۱. موانع ساختاری-اداری (شامل پیچیدگی فرآیندهای اداری، ناکارآمدی سیستم پشتیبانی و نبود یکپارچگی در ارائه خدمات)؛ ۲. موانع ارتباطی-فرهنگی (شامل شکاف زبانی، شوک فرهنگی و محدودیت در تعاملات اجتماعی)؛ ۳. موانع آموزشی (شامل ناهمخوانی انتظارات آموزشی، کیفیت نامتناسب سرپرستی و محدودیت منابع علمی)؛ ۴. موانع معیشتی-رفاهی (شامل مشکلات مسکن، حمل‌ونقل و تغذیه)؛ ۵. موانع روان‌شناختی-انطباقی (شامل احساس غربت، تنش‌های بین فرهنگی و فشار روانی). الگوی نهایی مبتنی بر تحلیل مسیر، نشان داد که موانع ساختاری-اداری و ارتباطی-فرهنگی، بیشترین تاثیر منفی را بر تجربه تحصیلی دارند. نتایج نشان‌دهنده چندبعدی بودن چالش‌های پیش‌روی دانشجویان بین‌الملل است. الگوی ارائه‌شده می‌تواند مبنایی برای تدوین راهبردهای عملیاتی دانشگاه‌ها به منظور تبدیل تهدیدها به فرصت و ارتقای رضایتمندی و ماندگاری دانشجویان بین‌الملل باشد.

کلیدواژه‌گان: دانشجویان بین‌الملل، موانع تحصیلی، تجربه تحصیلی، تحلیل موانع، بهینه‌سازی، آموزش عالی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱



How to cite: Al-Shujairi, H. M. M., Taghvae Yazdi, M., Abdulameer, M. J., Fadavi, M. S. (2025). Validation of the Model for Identifying the Competencies Needed by Students Based on the Lived Experiences of International PhD Students. *Training, Education, and Sustainable Development*, 3(1), 1-11.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License

Validation of the Model for Identifying the Competencies Needed by Students Based on the Lived Experiences of International PhD Students

Hiba Mirdan Hammood Al-Shujairi¹, Maryam Taghvae Yazdi^{2*}, Mohammed Jasim Abdulameer³, Mahboubeh Sadat Fadavi⁴

1. PhD student, Department of Educational Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Associate Professor, Department of Educational Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

3. Professor, Department of Educational Management, Wasit University, Wasit, Iraq

4. Associate Professor, Department of Educational Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: m_taghvaeeyazdi@yahoo.com

Abstract

The attraction of international students is considered one of the indicators of the development and internationalization of universities. However, the continued presence and academic success of these students requires identifying and addressing the challenges they face. This study aimed to identify the key obstacles facing international PhD students in Iran and provide a model for optimizing their educational experience. This research was conducted with a mixed approach and in two qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, in-depth semi-structured interviews were conducted with 15 international PhD students using a phenomenological method. Qualitative data were analyzed using content analysis and coding in MAXQDA software. In the quantitative phase, the statistical population included all the aforementioned students, 1200 people, of whom 291 were selected as a sample using the Cochran formula using a stratified random sampling method. The research instrument was a 42-item researcher-made questionnaire based on qualitative findings. Quantitative data were analyzed using exploratory and confirmatory factor analysis and structural equation modeling in SPSS and SmartPLS software. Based on qualitative analysis, barriers were categorized into five main dimensions: 1. Structural-administrative barriers (including complexity of administrative processes, inefficiency of the support system, and lack of integration in service provision); 2. Communication-cultural barriers (including language gap, culture shock, and limitations in social interactions); 3. Academic-educational barriers (including mismatch of educational expectations, inadequate quality of supervision, and limited academic resources); 4. Livelihood-welfare barriers (including housing, transportation, and nutrition problems); 5. Psychological-adaptive barriers (including homesickness, intercultural tensions, and psychological stress). The final model based on path analysis showed that structural-administrative and communication-cultural barriers have the most negative impact on the academic experience. The results indicate that the challenges facing international students are multidimensional. The presented model can be a basis for developing operational strategies for universities to transform threats into opportunities and improve the satisfaction and retention of international students.

Keywords: international students, academic barriers, academic experience, barrier analysis, optimization, higher education

Submit Date: 2025-02-24

Revise Date: 2025-04-29

Accept Date: 2025-05-08

Publish Date: 2025-06-21

فرآیند بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اعتبار و کیفیت دانشگاه‌ها در سطح جهانی بدل شده است (Altbach & Knight, 2007). حضور دانشجویان بین‌المللی نه تنها فرصتی برای تبادل دانش، فرهنگ و تجربه‌های آموزشی است، بلکه ابزاری برای ارتقای جایگاه علمی و سیاسی کشور میزبان نیز محسوب می‌شود. موفقیت در این عرصه، تنها به جذب اولیه دانشجویان محدود نمی‌شود، بلکه استمرار، رضایت و موفقیت تحصیلی آنان نیز به همان اندازه اهمیت دارد (Andrade, 2006). از این رو، دانشگاه‌هایی که قادرند شرایطی فراهم کنند تا دانشجویان خارجی بتوانند با چالش‌های محیطی مقابله کرده و تجربه‌ای مثبت از دوران تحصیل خود داشته باشند، در رقابت جهانی آموزش عالی گام‌های محکم‌تری برمی‌دارند.

با وجود این، تجربه عملی نشان می‌دهد که دانشجویان بین‌الملل در مسیر تحصیل با مجموعه‌ای از موانع پیچیده مواجه می‌شوند که از تفاوت‌های زبانی و فرهنگی آغاز شده و تا مسائل اقتصادی، اجتماعی و اداری امتداد پیدا می‌کند (Smith & Khawaja, 2011). این موانع، اگر به‌طور ساختاریافته و نظام‌مند شناسایی و مدیریت نشوند، می‌توانند کیفیت زندگی و یادگیری دانشجویان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و حتی منجر به نارضایتی یا ترک تحصیل شوند. بنابراین، شناخت دقیق موانع و طراحی سیاست‌هایی برای رفع آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر در موفقیت برنامه‌های بین‌المللی‌سازی است.

بیشتر مطالعات گذشته، تمرکز خود را بر شناسایی و تعریف شایستگی‌های موردنیاز دانشجویان بین‌الملل قرار داده‌اند (Mosneaga & Tran & Phan, 2023; Agergaard, 2022). این پژوهش‌ها عمدتاً به دنبال آن بوده‌اند که مشخص کنند «دانشجوی موفق چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟». چنین نگاهی گرچه در جای خود ارزشمند است، اما به یک خلأ اساسی دچار است: اینکه بسیاری از این شایستگی‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرند، بلکه تحت تأثیر شرایط محیطی و موانعی هستند که دانشجویان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. به بیان دیگر، قبل از آنکه از دانشجو انتظار داشته باشیم توانایی‌هایی همچون مهارت علمی، تعامل اجتماعی یا سازگاری فرهنگی را نشان دهد، باید موانعی را که مانع تحقق این توانمندی‌ها می‌شوند، شناسایی و رفع کنیم. تغییر پرسش از «چه باید داشت؟» به «چه چیزی مانع رسیدن به آن می‌شود؟» نقطه عزیمت تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

در ایران، طی سال‌های اخیر بر تعداد دانشجویان خارجی افزوده شده و کشور به یکی از مقاصد مهم دانشجویان منطقه تبدیل شده است (Ministry of Science, Research and Technology of Iran, 2023). با این حال، به‌رغم رشد کمی قابل توجه، کیفیت تجربه تحصیلی آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بیشتر گزارش‌های پراکنده تنها به برخی مشکلات سطحی، مانند دشواری زبان فارسی یا محدودیت‌های ارتباطی اشاره کرده‌اند (Zarei & Sadeghi, 2021). اما شواهد عینی و تجربه زیسته دانشجویان نشان می‌دهد که این چالش‌ها بسیار متنوع‌تر، عمیق‌تر و درهم‌تنیده‌تر از آن چیزی است که در این گزارش‌ها بازتاب یافته است.

مشکلات زبانی، برای نمونه، نه تنها فرآیند یادگیری در کلاس را دشوار می‌سازد، بلکه بر امکان برقراری روابط اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های علمی و حتی دسترسی به منابع پژوهشی تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، موانع اقتصادی می‌توانند بهره‌مندی دانشجویان از خدمات رفاهی و آموزشی را محدود کنند و این امر به‌طور غیرمستقیم بر کیفیت عملکرد علمی آنان اثر بگذارد. چنین ارتباطات متقاطع میان موانع مختلف نشان می‌دهد که مطالعه آن‌ها باید با دیدگاهی سیستمی و جامع صورت گیرد، نه اینکه به‌طور پراکنده و جزیره‌ای بررسی شوند.

در پژوهش‌های بین‌المللی، به‌ویژه در بافت‌های غربی، عمدتاً بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی تمرکز شده است. اما کمتر به شرایط کشورهای در حال توسعه یا جوامعی با تنوع فرهنگی بالا پرداخته‌اند. ایران با ویژگی‌های خاص زبانی، فرهنگی و ساختاری خود، نمونه‌ای بارز از این وضعیت است. دانشجویان خارجی در ایران با ترکیبی از موانع ساختاری (مانند فرایندهای اداری و دسترسی به منابع)، فردی (مانند مشکلات

تطبیق فرهنگی و روانی) و اجتماعی (مانند پذیرش توسط جامعه میزبان) روبه‌رو هستند. این شرایط موجب می‌شود که صرفاً استفاده از مدل‌های وارداتی یا الگوهای برگرفته از پژوهش‌های غربی، پاسخ‌گوی نیازهای واقعی این دانشجویان نباشد.

از این منظر، خلأ آشکاری در ادبیات پژوهش داخلی وجود دارد. تاکنون پژوهشی جامع که بتواند به‌طور نظام‌مند همه ابعاد موانع را شناسایی و اولویت‌بندی کند، صورت نگرفته است. اغلب مطالعات داخلی یا به مسائل پراکنده‌ای همچون زبان و خوابگاه اشاره داشته‌اند، یا صرفاً بر روی ابعاد آموزشی متمرکز بوده‌اند. این کمبود نشان می‌دهد که لازم است پژوهشی میان‌رشته‌ای و سیستمی انجام شود تا تصویری کلی و یکپارچه از موانع ارائه گردد.

بنابراین، هدف تحقیق حاضر، شناسایی جامع موانع پیش‌روی دانشجویان بین‌الملل مقطع دکتری در ایران و تبیین روابط میان این موانع است. پرسش اصلی این است که «کدام موانع نقش محوری‌تری در تجربه تحصیلی دانشجویان دارند و چگونه می‌توان بر اساس روابط میان آن‌ها الگویی مفهومی طراحی کرد؟». پاسخ به این پرسش نه تنها جنبه نظری دارد، بلکه از منظر سیاست‌گذاری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. طراحی چنین الگویی می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها برای بهبود تجربه تحصیلی دانشجویان بین‌الملل و افزایش ماندگاری آنان باشد. هدف نهایی پژوهش، ارائه نقشه‌ای راهبردی برای دانشگاه‌های ایران است؛ نقشه‌ای که تمرکز خود را بر رفع موانع کلیدی قرار داده و از این طریق بتواند شرایطی را فراهم سازد که دانشجویان خارجی نه تنها از نظر علمی، بلکه از نظر اجتماعی و فردی نیز تجربه‌ای موفق و رضایت‌بخش از تحصیل در ایران داشته باشند. تحقق این هدف در نهایت به ارتقای جایگاه جهانی آموزش عالی کشور کمک خواهد کرد.

روش‌شناسی

این مطالعه با رویکرد آمیخته اکتشافی متوالی (Sequential Exploratory Design) انجام شد. در این طرح، ابتدا داده‌های کیفی گردآوری و تحلیل شد تا بینش عمیقی از پدیده مورد مطالعه به دست آید. سپس، بر مبنای یافته‌های کیفی، فاز کمی طراحی و اجرا شد تا یافته‌ها تعمیم داده شده و الگوی نهایی تست شود.

شرکت‌کنندگان در فاز کیفی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با Maximum Variation Sampling (به منظور حداکثر تنوع از نظر رشته تحصیلی، کشور مبدأ، جنسیت و مدت اقامت)، با ۱۵ دانشجوی دکتری بین‌الملل مصاحبه شد تا به نقطه اشباع نظری رسیده شود. همچنین، شرکت‌کنندگان در فاز کمی شامل کلیه دانشجویان دکتری بین‌الملل شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی ایران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ (N=1200) بود. با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای ۰,۰۵، حجم نمونه ۲۹۱ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای با تخصیص متناسب انجام گرفت.

برای گردآوری داده‌ها در فاز کیفی از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق استفاده شد. راهنمای مصاحبه حول محورهای اصلی: تجربه زیسته از تحصیل در ایران، چالش‌ها و مشکلات پیش‌رو، عوامل تسهیل‌کننده و موانع، و پیشنهادات برای بهبود، طراحی شده بود. همچنین، در فاز کمی پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته با ۴۲ گویه بر اساس مضامین استخراج شده از فاز کیفی طراحی شد. مقیاس اندازه‌گیری طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از «اصلاً مشکل نیست» تا «بسیار مشکل بزرگ») بود.

داده‌های مصاحبه با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) براساس رویکرد براون و کلارک (۲۰۰۶) و با کمک نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۲ تحلیل شد. فرآیند کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. همچنین، داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و SmartPLS نسخه ۴ تحلیل شدند. از آمار توصیفی برای توصیف نمونه، از تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) برای بررسی ساختار عاملی پرسشنامه و از تحلیل عاملی تاییدی (CFA) و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) برای آزمون الگوی تحقیق و روابط بین موانع استفاده شد.

تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۷۸ کد اولیه، ۱۶ مضمون فرعی و در نهایت ۵ مضمون اصلی (بعد) به عنوان موانع پیش‌رو شد که در جدول ۱ قابل مشاهده است.

موانع ساختاری-اداری: این مضمون شامل مضامین فرعی «پیچیدگی و طولانی بودن فرآیندهای اداری (اخذ ویزا، اقامت، ثبت‌نام)»، «ناکارآمدی سیستم پشتیبانی و پاسخگویی به دانشجویان بین‌الملل» و «نبود یکپارچگی و هماهنگی بین بخش‌های مختلف دانشگاه در ارائه خدمات» بود.

موانع ارتباطی-فرهنگی: این بعد شامل «شکاف زبانی» محدودیت در تسلط به زبان فارسی برای زندگی روزمره و تعاملات آموزشی «شوک فرهنگی و تفاوت‌های هنجاری» و «محدودیت در برقراری و توسعه تعاملات اجتماعی با دانشجویان ایرانی» بود.

موانع آموزشی: مضامین فرعی این بخش «ناهمخوانی بین انتظارات آموزشی دانشجو و سیستم آموزشی میزبان»، «کیفیت نامتناسب سرپرستی و راهنمایی پایان‌نامه» و «محدودیت در دسترسی به منابع علمی (کتابخانه‌ای و آنلاین) به زبان‌های بین‌المللی» را شامل می‌شد.

موانع معیشتی-رفاهی: این مضمون به چالش‌های زندگی روزمره مانند «مشکلات یافتن مسکن مناسب و مقرون‌به‌صرفه»، «دشواری‌های حمل‌ونقل درون‌شهری» و «عدم دسترسی به غذای حلال مطابق با فرهنگ خود» می‌پرداخت.

موانع روان‌شناختی-انطباقی: این بعد شامل مضامین «احساس غربت و انزوا»، «تنش‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی» و «فشار روانی و استرس ناشی از تجمع تمامی موانع فوق» بود.

جدول ۱. مضمون‌های استخراج‌شده از بخش کیفی پژوهش

مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
تسلط بر روش‌های تحقیق کمی و کیفی	مهارت‌های پژوهشی	مضمون توانایی‌های علمی
توانایی انجام پژوهش‌های بنیادی		
استفاده از ابزارهای آماری		
تلفیق دانش از حوزه‌های مختلف	دانش بین‌رشته‌ای	
شناخت مفاهیم پایه در رشته‌های مرتبط		
ایجاد راهکارهای نوآورانه با تلفیق دانش		
تسلط بر زبان انگلیسی	مهارت‌های زبانی	مهارت‌های اجتماعی
نوشتن مقالات علمی به زبان‌های بین‌المللی		
ارائه پژوهش‌ها در کنفرانس‌های بین‌المللی		
ایجاد تعامل مؤثر با افراد از فرهنگ‌های مختلف	ارتباطات بین‌فرهنگی	
احترام به تنوع فرهنگی		
برقراری ارتباط بین‌المللی		
مشارکت در پروژه‌های گروهی	همکاری تیمی	
تقسیم وظایف در تیم‌های تحقیقاتی		
ایجاد هماهنگی در محیط‌های چندفرهنگی		
ایجاد روابط حرفه‌ای با پژوهشگران	شبکه‌سازی	
مشارکت در شبکه‌های علمی		
توسعه شبکه‌های همکاری آکادمیک		
انطباق با ارزش‌های فرهنگی جامعه میزبان	سازگاری فرهنگی	تطبیق با محیط
شناخت رسوم و آداب محلی		
پذیرش تفاوت‌های فرهنگی		
رعایت مقررات دانشگاهی	احترام به قوانین	
احترام به قوانین اجتماعی جامعه میزبان		

پایبندی به اصول حقوقی	آشنایی با ساختار آموزشی	مهارت‌های محیطی
درک سیستم آموزشی ایران		
آشنایی با فرایندهای تحصیلی		
شناخت سیستم ارزیابی دانشگاه‌ها		
برنامه‌ریزی برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی	مدیریت پروژه	
تقسیم وظایف و مدیریت منابع		
پیگیری نتایج و ارزیابی پیشرفت		
تنظیم زمان برای پژوهش و تحصیل	مدیریت زمان	
ایجاد تعادل بین زندگی و کار		
اولویت‌بندی وظایف		
هدایت تیم‌های تحقیقاتی	رهبری تیم	
تشویق همکاری بین اعضای تیم		
حل تعارضات در تیم		
ایجاد ایده‌های نو در پژوهش	خلاقیت و نوآوری	رشد شخصیتی
حل مسائل پیچیده با خلاقیت		
توسعه روش‌های جدید تحقیق		
تشخیص مشکلات و ارائه راهکار	حل مسئله	
تحلیل داده‌ها برای حل مسائل		
پیاده‌سازی راه‌حل‌های کارآمد		
نقد مقالات علمی	تحلیل انتقادی	
ارزیابی تحقیقات پیشین		
تلفیق نتایج برای جمع‌بندی بهتر		

در بخش کمی، پس از اطمینان از پایایی و روایی پرسشنامه، داده‌های ۲۹۱ نفر تحلیل شد. تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار ۵ عاملی را تأیید کرد. بارهای عاملی همه گویه‌ها بالاتر از ۰٫۵ بود. سپس با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در Smart PLS، الگوی نهایی و روابط بین ابعاد آزمون شد. شاخص‌های برازش مدل نشان‌دهنده برازش مطلوب بود ($SRMR = ۰.۰۶۸$, $RMSEA = ۰.۰۴۱$, $CFI = ۰.۹۴۱$, $X^2/df = ۲.۳۱$). (۰.۰۵۶) نتایج تحلیل مسیر نشان داد که:

موانع ساختاری-اداری ($\beta = ۰.۳۲$, $p < ۰.۰۱$) و موانع ارتباطی-فرهنگی ($\beta = ۰.۲۹$, $p < ۰.۰۱$) دارای مستقیم‌ترین و قوی‌ترین تأثیر منفی بر تجربه تحصیلی هستند.

موانع آموزشی ($\beta = ۰.۱۸$, $p < ۰.۰۵$) و موانع معیشتی-رفاهی ($\beta = ۰.۱۵$, $p < ۰.۰۵$) نیز تأثیر معناداری دارند.

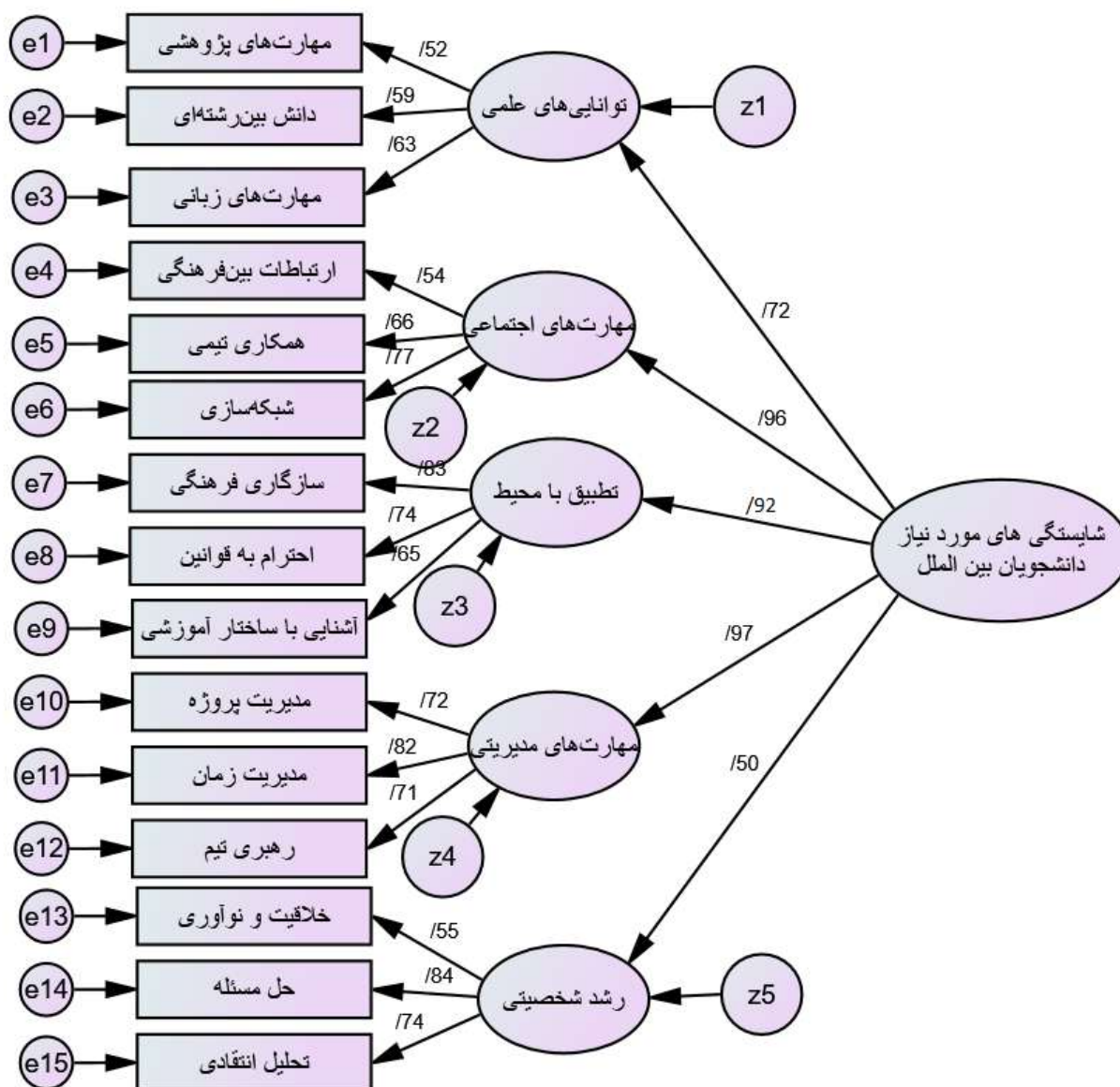
موانع روان‌شناختی-انطباقی نقش یک متغیر میانجی را ایفا کرده و تحت تأثیر تمامی ابعاد دیگر قرار می‌گیرند.

برای بررسی روایی سازه پرسشنامه، از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۳ استفاده شد. خروجی این نرم‌افزار مدل تحلیل عاملی تأییدی را نشان داد که در آن روابط میان گویه‌ها (متغیرهای آشکار) و ابعاد اصلی (متغیرهای پنهان) به همراه بارهای عاملی استاندارد مشخص شده است. بر اساس نتایج ارائه‌شده، تمامی بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵ بودند و از این رو، کفایت و روایی سازه تأیید گردید. در این مرحله پرسش اساسی مطرح شد که آیا مدل برآوردشده دارای برازش مطلوب است؟ برای پاسخ به این موضوع، آماره کای-دو و سایر شاخص‌های برازش مدل مورد توجه قرار گرفتند. جدول ۲ نیز شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم را گزارش می‌کند.

جدول ۲. بررسی شاخص برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی مقوله اصلی

نام شاخص	مقدار استاندارد شاخص	مقدار شاخص در مدل موردنظر	نتیجه‌گیری
χ^2/df	کمتر از ۵	۲/۱۵۱	برآزش مدل مناسب است

برازش مدل مناسب است	۰/۹۷۱	بیشتر و یا نزدیک ۰/۹	FI
برازش مدل مناسب است	۰/۹۶۰	بیشتر و یا نزدیک ۰/۹	NI
برازش مدل مناسب است	۰/۹۵۵	بیشتر و یا نزدیک ۰/۹	TLI
برازش مدل مناسب است	۰/۹۶۳	بیشتر و یا نزدیک ۰/۹	CFI
برازش مدل مناسب است	۰/۰۵۷	کمتر از ۰/۱	RMSEA



شکل ۱. مدل تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم مقوله اصلی

جدول ۳. روابط مفاهیم با مقوله‌های فرعی در مقوله اصلی

مفاهیم اولیه	بار عاملی	سطح معناداری	سوالات	بار عاملی	سطح معناداری	نتیجه
توانایی های علمی	۰/۷۲	۰/۰۰۱	مهارت های پژوهشی	۰/۵۲	۰/۰۰۱	مناسب
			دانش بین رشته ای	۰/۵۹	۰/۰۰۱	مناسب

مهارت‌های اجتماعی	۰/۹۶	۰/۰۰۱	مهارت‌های زبانی	۰/۶۳	۰/۰۰۱	مناسب
			ارتباطات بین فرهنگی	۰/۵۴	۰/۰۰۱	مناسب
			همکاری تیمی	۰/۶۶	۰/۰۰۱	مناسب
			شبکه‌سازی	۰/۷۷	۰/۰۰۱	مناسب
تطبیق با محیط	۰/۹۲	۰/۰۰۱	سازگاری فرهنگی	۰/۸۳	۰/۰۰۱	مناسب
			احترام به قوانین	۰/۷۴	۰/۰۰۱	مناسب
			آشنایی با ساختار آموزشی	۰/۶۵	۰/۰۰۱	مناسب
مهارت‌های مدیریتی	۰/۹۷	۰/۰۰۱	مدیریت پروژه	۰/۷۲	۰/۰۰۱	مناسب
			مدیریت زمان	۰/۸۲	۰/۰۰۱	مناسب
			رهبری تیم	۰/۷۱	۰/۰۰۱	مناسب
رشد شخصیتی	۰/۵۰	۰/۰۰۱	خلاقیت و نوآوری	۰/۵۵	۰/۰۰۱	مناسب
			حل مسئله	۰/۸۴	۰/۰۰۱	مناسب
			تحلیل انتقادی	۰/۷۴	۰/۰۰۱	مناسب

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش تصویری جامع و چندلایه از چالش‌های پیش‌روی دانشجویان بین‌الملل دکتری در ایران ترسیم می‌کند. پنج بُعد شناسایی‌شده ساختاری-اداری، ارتباطی-فرهنگی، آموزشی، معیشتی-رفاهی و روان‌شناختی-انطباقی نشان می‌دهد که تجربه این دانشجویان تنها به کلاس درس محدود نمی‌شود، بلکه کلیت زندگی آنان در محیطی جدید را در بر می‌گیرد.

نتایج تحلیل مسیر به وضوح نشان داد که **موانع ساختاری-اداری** قوی‌ترین پیش‌بینیکننده منفی برای تجربه تحصیلی هستند. این یافته تأییدی است بر این نظریه که حتی با انگیزه و آمادگی بالای دانشجو، سیستم‌های ناکارآمد و بوروکراسی پیچیده می‌تواند به مانعی بزرگ تبدیل شود (Lee & Rice, 2017). این نتیجه با مطالعه لی و همکاران (۲۰۱۶) همسو است که بر اهمیت «ساختارهای پشتیبان یکپارچه» به عنوان کلید موفقیت دانشجویان بین‌الملل تأکید داشتند (Li et al., 2016).

همچنین، نقش محوری **موانع ارتباطی-فرهنگی** به عنوان دومین عامل تأثیرگذار، اهمیت یکپارچگی اجتماعی (Social Integration) را پررنگ می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که احساس تعلق و توانایی برقراری ارتباط معنادار، به اندازه موفقیت آموزشی حیاتی است. این نتیجه از پژوهش سیرا (۲۰۲۲) حمایت می‌کند که نشان داد انزوای اجتماعی یکی از اصلی‌ترین دلایل ترک تحصیل دانشجویان بین‌الملل است (Sierra, 2022).

شناسایی **موانع روان‌شناختی-انطباقی** به عنوان یک بُعد مستقل و در عین حال میانجی، از نوآوری‌های این تحقیق محسوب می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که چگونه سایر موانع (از مشکل گرفتن ویزا تا عدم فهم زبان) در نهایت به صورت فشار روانی و استرس تجلی می‌یابند و به طور غیرمستقیم بر عملکرد تحصیلی تأثیر می‌گذارند. این لایه از تحلیل، که در بسیاری از مطالعات داخلی نادیده گرفته شده، درک عمیق‌تری از مسئله ارائه می‌دهد.

در نهایت، این پژوهش با ارائه یک **الگوی علی**، تنها به فهرست کردن مشکلات نپرداخته، بلکه روابط سیستماتیک بین آنها را نیز ترسیم کرده است. این نقشه راه به سیاست‌گذاران و مدیران دانشگاهی کمک می‌کند تا به جای پرداختن به نشانه‌ها، بر ریشه اصلی مشکلات (عمدتاً موانع ساختاری و ارتباطی) متمرکز شوند و راهبردهای خود را اولویت‌بندی کنند.

این مطالعه با وجود کوشش برای جامعیت، دارای محدودیت‌هایی است. اولاً، این پژوهش در دانشگاه‌های دولتی بزرگ انجام شده و تعمیم یافته‌ها به دانشگاه‌های غیرانتفاعی، پیام نور و دانشگاه‌های کوچکتر باید با احتیاط صورت گیرد. ثانیاً، اتکا به خود-گزارشی (self-

(reporting) شرکت‌کنندگان می‌تواند یکی از محدودیت‌ها باشد. پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با استفاده از روش‌های کیفی ethnographic (مانند مشاهده مشارکتی) یا تحلیل داده‌های real-time مانند (daily diary) به اعتبارسازی بیشتر یافته‌ها بپردازند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در دو جهت حرکت کنند:

۱. **مطالعات طولی: (Longitudinal)** ردیابی تجربه یک گروه از دانشجویان از زمان ورود تا فارغ‌التحصیلی برای درک پویایی و تغییر این موانع در طول زمان.

۲. **مطالعات مداخله‌ای: (Intervention Research)** طراحی و آزمون راهبردهای عملیاتی مبتنی بر یافته‌های این پژوهش (مانند ایجاد دفاتر یکپارچه یا برنامه‌های mentorship و سنجش اثربخشی آنها).

به طور خلاصه، این پژوهش نشان داد که بهینه‌سازی تجربه دانشجویان بین‌الملل نیازمند عبور از نگاه تک‌بعدی و اتخاذ یک رویکرد کل‌نگر و سیستماتیک است. دانشگاه‌ها باید بپذیرند که مسئولیت آنها فراتر از آموزش است و شامل ایجاد یک **بوم‌سیستم (Ecosystem)** حمایتی می‌شود که در آن موانع ساختاری *minimized* شده و فرصت‌های ارتباطی و انطباقی *maximized* شوند. الگوی ارائه‌شده در این تحقیق می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای تحقق این هدف و تبدیل چالش جذب دانشجوی بین‌الملل به فرصتی پایدار برای توسعه علمی و فرهنگی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش با تغییر کانون از «شایستگی‌های مورد نیاز دانشجوی» به «موانع پیش‌روی دانشجو»، الگویی نوین و مبتنی بر بافت ایران ارائه کرد. یافته‌ها نشان داد که چالش‌های دانشجویان بین‌الملل بسیار فراتر از مسائل زبانی و آموزشی صرف است و موانع ساختاری و اداری دانشگاه‌ها، به عنوان سنگین‌ترین وزن در کاهش کیفیت تجربه تحصیلی عمل می‌کنند (Lee & Rice, 2017). این یافته با مطالعه وانگ و شن (۲۰۲۴) که بر اهمیت سیستم پشتیبانی نهادی تأکید داشتند، همسو است (Li et al., 2016).

نتیجه کلیدی دیگر، نقش محوری موانع ارتباطی-فرهنگی بود. این یافته تأیید می‌کند که عدم integration اجتماعی می‌تواند به اندازه عدم موفقیت académique damaging باشد (Sierra, 2022). همچنین، شناسایی «موانع روان‌شناختی-انطباقی» به عنوان یک بعد مستقل و در عین حال میانجی، درک جامع‌تری از فشارهای چندگانه وارده بر این دانشجویان ارائه می‌دهد که در مطالعات پیشین کمتر بدان پرداخته شده بود.

این مطالعه تنها در دانشگاه‌های دولتی انجام شده و تعمیم آن به دانشگاه‌های غیرانتفاعی و پیام نور نیازمند احتیاط است. همچنین، reliance بر self-reporting می‌تواند یکی از محدودیت‌ها باشد. بر اساس یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود:

- دانشگاه‌ها «دفاتر یکپارچه خدمات دانشجویان بین‌الملل» را راه‌اندازی کنند تا موانع ساختاری-اداری کاهش یابد.
 - دوره‌های فشرده زبان فارسی با تأکید بر کاربرد آموزشی و زندگی روزمره، قبل از شروع ترم ارائه شود.
 - برنامه‌های mentorship pairing دانشجویان بین‌الملل با دانشجویان ایرانی جهت تسهیل انطباق فرهنگی-اجتماعی توسعه یابد.
- خدمات مشاوره روان‌شناختی ویژه دانشجویان بین‌الملل با حساسیت فرهنگی بالا تقویت گردد.
- پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی اثربخشی راهبردهای interventions پیشنهادی این تحقیق و نیز انجام مطالعات طولی برای سنجش تغییر تجربه این دانشجویان در طول زمان بپردازند. برای تکمیل مسیر پژوهش، چند حوزه پیشنهاد می‌شود:

۱. **مطالعات تطبیقی** میان دانشجویان خارجی در ایران و کشورهای منطقه برای شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی.
۲. **توسعه ابزارهای دیجیتالی** برای ارزیابی و تقویت شایستگی‌ها، به‌ویژه در حوزه مهارت‌های بین‌فرهنگی.
۳. **بررسی طولی** تغییرات شایستگی‌ها در طول دوران تحصیل تا روشن شود که کدام ابعاد در گذر زمان رشد بیشتری دارند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

The internationalization of higher education has made the recruitment of international students a key indicator of university development. However, ensuring their continued presence and academic success requires identifying and addressing the multifaceted challenges they face. This study moves beyond the prevalent focus on "student competencies" and instead investigates the barriers that hinder international PhD students' success in Iran, aiming to develop a holistic optimization model.

Methods and Materials

This research employed an exploratory sequential mixed-methods design. The qualitative phase involved in-depth semi-structured interviews with 15 international PhD students, selected via maximum variation sampling. Data were analyzed using thematic analysis in MAXQDA. In the quantitative phase, a researcher-made 42-item questionnaire, derived from qualitative findings, was distributed to a stratified random sample of 291 students from a population of 1200. Data were analyzed using Exploratory and Confirmatory Factor Analysis (EFA, CFA) and Structural Equation Modeling (SEM) in SPSS and SmartPLS.

Findings

Qualitative analysis identified five main dimensions of barriers: 1) Structural-Administrative (e.g., complex bureaucratic processes, inefficient support systems); 2) Communicative-Cultural (e.g., language barrier, culture shock, limited social interaction); 3) Academic-Educational (e.g., mismatched expectations, quality of supervision); 4) Welfare-Livelihood (e.g., housing, transportation, food); and 5) Psychological-Adaptive (e.g., homesickness, acculturative stress). The quantitative path analysis model revealed that Structural-Administrative ($\beta = 0.32$, $p < 0.01$) and Communicative-Cultural ($\beta = 0.29$, $p < 0.01$) barriers had the most direct and strongest negative impact on the academic experience. Psychological-Adaptive barriers acted as a significant mediating variable.

Discussion and Conclusion

Discussion and Conclusion: The study concludes that optimizing the international student experience requires a systemic approach that addresses root causes, particularly inefficient structures and cultural isolation, rather than just symptoms. Universities are advised to create integrated support offices, enhance pre-arrival language and cultural training, develop robust mentorship programs, and provide culturally sensitive psychological counseling. The proposed model serves as a strategic roadmap for policymakers and administrators to transform challenges into opportunities, thereby enhancing student satisfaction, retention, and the overall success of internationalization efforts in Iranian higher education.

References

- Altbach, P. G., & Knight, J. (2007). The internationalization of higher education: Motivations and realities. *Journal of Studies in International Education*, 11(3-4), 290-305. <https://doi.org/10.1177/1028315307303542>
- Andrade, M. S. (2006). International students in English-speaking universities: Adjustment factors. *Journal of Research in International Education*, 5(2), 131-154. <https://doi.org/10.1177/1475240906065589>
- Smith, R. A., & Khawaja, N. G. (2011). A review of the acculturation experiences of international students. *International Journal of Intercultural Relations*, 35(6), 699-713. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2011.08.004>
- Mosneaga, A., & Agergaard, J. (2022). The role of university structures in international student mobility and integration: A comparative study. *Higher Education*, 84(5), 1021-1040.
- Tran, L. T., & Pham, L. (2023). Academic and social support for international students in the Global South: A case study from Vietnam. *Journal of Studies in International Education*, 27(1), 89-106.
- Ministry of Science, Research and Technology of Iran. (2023). *Annual report on international student statistics*. Tehran: Author.
- Zarei, M., & Sadeghi, A. (2021). Linguistic challenges of international students in Iranian universities: A qualitative inquiry. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 42(8), 745-760.
- Lee, J. J., & Rice, C. (2017). Welcome to America? International student perceptions of discrimination. *Higher Education*, 73(6), 861-880. <https://doi.org/10.1007/s10734-005-4508-3>
- Li, X., McDowell, K., & Wang, X. (2016). Building bridges: Outreach to international students via vernacular language videos. *Reference Services Review*, 44(3), 324-340. <https://doi.org/10.1108/RSR-10-2015-0044>
- Sierra, J. (2022). Social isolation and its impact on international student retention: A meta-analysis. *Journal of International Students*, 12(S3), 45-67. <https://doi.org/10.32674/jis.v12iS3.4512>

